

سرنخ کشتار و سرکوب دانشجویان و اعدام دو انقلابی در اهواز در دست کیست؟

دو انقلابی، رفقای شهید احمد مودن ودانیالی در سحرگاه روز جمعه دوم اردیبهشت ماه بدست دژخیمان رژیم تیرباران شدند. سرنخ اعدام این دو انقلابی، یورش به دانشگاهها، کشتار و سرکوب دانشجویان در دست کیست؟ نوک تیز حملاتی که در آن بسیاری از رفقای دانشجویی ما بخون خود در غلطیدند و صدها تن مجروح و زندانی شدند متوجه چه کسانی است؟ در این میان کدام نیروها و کدام عوامل پنهانی و توطئه گر از این موج خفقان، سرکوب و کشتار بهره مند میگردند؟ غائله کذائی "انقلاب فرهنگی" را چه کسانی براه انداخته و ایدئولوگ بزرگ آن کیست و چه کسانی سود میبرند؟ آیا میتوان با ساده لوحی کودکانه تنها "هینت حاکمه" و امپریالیسم آمریکا و "سرمایه داری وابسته" را مسئول و مقصر دانست؟ برآستی آیا هیچ ب فکر فرورفته اید که نقش رهبران حزب توده در این میان چه میباشد؟ این سئوالات و مسائل مطالبی است که متأسفانه اکثر اعمداً یا سهواً از اذهان بدور نگاهداشته شده، گویا توطئه ای وسیعی در کار است که حزب توده رهبری آنرا با مهارت در دست دارد، و آن رخنه با مودیگری خارق العاده و خاص وی در اکثر سازمانها و گروههای مترقی علنی و نیمه علنی و وا داشتن این گروهها و سازمانها به پنهان نمودن حقایق مسلم و انکار ناپذیر یک توطئه مرموز و حساب شده برای سرکوب و نابودی مارکسیست-لنینیستها و کمونیستهای راستین و جلوگیری از رشد جنبش نوین کمونیستی ایران است. مارکسیست-لنینیستها و کمونیستهای راستین میدانند که یکی از مهمترین وظایف پیچیده و بغرنج حزب توده توطئه، رخنه و نفوذ در دستگاه دولتی فعلی است. ما بهمین علت بعنوان بخشی از جنبش کمونیستی در ایران در اعلامیه "دانشجویان پیرو خط امام عامل سوسیال امپریالیسم شوروی" پرده از رابطه رهبران حزب توده و "دانشجویان پیرو خط امام" برداشتیم و ثابت کردیم که چگونه نقشه بسیار دقیق و حساب شده تسخیر سفارت آمریکا از طرف رهبران حزب توده و کا-گ-ب طرح ریزی شده و مورد اجرا در آمد. واقعیات مسلم و انکار ناپذیر و موضع گیریهای "دانشجویان پیرو خط امام" این جاسوسان و کارگزاران امپریالیسم شوروی در ایران صحت تمام ارزیابی های ما را ثابت نموده است. پوچ بودن شعار "نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی" بر همگان مسلم گردیده و ثابت شده است که دولت "جمهوری اسلامی" یک دولت سوسیالیستی نیست، آنگونه که بعضی از دوستان و رفقا میپنداشتند و میپندارند، بلکه "دولت جمهوری اسلامی" بخاطر مواضع طبقاتی خود یا باید "شرقی" باشد و یا "غربی". زیربنای اقتصادی این دولت و قطع روابطش با امپریالیسم آمریکا آنرا مجبور نموده که بسوی امپریالیسم شوروی برود. بعد از تسخیر سفارت و قطع روابط با آمریکا و ایجاد روابط اقتصادی و مبادلات تجاری با بلوک شرق و اینکه "شورای انقلاب ایران تصمیم دارد از طریق مبادلات تجاری با بلوک شرق با تحریم اقتصادی غرب مقابله نماید (اطلاعات ۵۹/۱/۳۱)" تمام مزخرفاتی را که میگفتند بر ملا نمود. اکنون کیست که در مورد پوچ بودن شعار "نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی" توهمی داشته باشد، آنهم زمانیکه رژیم فعلی بسوی شرق و امپریالیسم روسیه میروند. جز رهبران خائن حزب توده و حزب رنجبران!

بعلت تمام دلایل فوق است که رهبران حزب توده برای جلوگیری از رشد سیاسی و ایدئولوژیک جوانان و دانشجویان انقلابی در دانشگاهها و اینکه این رشد موجب نابودی آنان در جبهه ایدئولوژیک و سیاسی خواهد بود، هر روز و هر هفته برای توطئه نمودن، جلسات سری و پنهانی تشکیل میدهند. به همانگونه که قبلاً تحت لوای "خط امام" غائله "دانشجویان پیرو خط امام" را براه انداختند و موفق هم شدند، اکنون با حربه جدیدی به میدان آمدند و آن "انقلاب فرهنگی اسلامی" میباشد که اکنون مدتی است آنرا براه انداخته

اند. رهبران حزب توده بوسیله "شورای انقلاب" که در مشقت آنان چون موم نرم است، و "حسن حبیبی" که از عاملین امپریالیسم شوروی و یکی از مهره های دو آتشه حزب توده، در اجرای مقاصد شوم آنان است، یورش به دانشگاهها را براه انداختند. نوک تیز این حمله متوجه کمونیستها و مارکسیست-لنینیستهای راستین بود. "سازمان مجاهدین" و "سازمان چریکها" که رهبری آنان را حزب توده در دست دارد یکی پس از دیگری پس از یورش و کشتار دانشجویان بوسیله مزدوران رژیم در کشتار خونین روز اول اردیبهشت به حزب توده پیوستند و "حسن حبیبی" سخنگوی "شورای انقلاب" و به عبارت بهتر سخنگوی حزب توده بخوبی توانست رل خود را در "مذاکرات" اجرا نماید. رهبران حزب توده از مدتها قبل طرح "انقلاب فرهنگی اسلامی" را ریخته بودند. آنان در اعلامیه مورخ ۲۰ فروردین کمیته مرکزی حزب توده اعلام کردند:

"باید تمام مشاجرات و تمام وجوه اختلافات مسلکی و عقیدتی و سیاسی موجود بین گروهها و سازمانها و احزاب کنار گذاشته شود این ضرورت مبرم است."

و در "مردم" ۲۲۴ بیان نمودند:

"نظر خواهی در مورد انقلاب فرهنگی نیاز امروزی جامعه ماست." (تاکید از ماست)

رهبران حزب توده این سردمداران بزرگ رویزیونیسم در ایران از طرفی "شورای انقلاب" و هیئت حاکمه را وادار به ایجاد "انقلاب فرهنگی" سرکوب و کشتار جوانان و دانشجویان انقلابی و آزادیخواه میکنند تا با ایجاد جو خفقان و فاشیسم با شوراندن مردم نا آگاه و سوء استفاده از فضای "مذهبی" و ضد کمونیستی بتوانند دشمنان خود یعنی مارکسیست-لنینیستهای راستین را نابود کنند (اعدام دو تن از انقلابیون نتیجه آشکار این توطئه است). و از طرف دیگر در اعلامیه های خود مانند دزدی که فریاد میزند دزد را بگیر دم از جلوگیری از تشنج را میزنند.

رفقا و دوستان دانشجویان! کمونیستهای راستین ایران!

سرنخ اعدام علنی و ضد انقلابی دو تن از انقلابیون و سرکوب جوانان و دانشجویان انقلابی در دانشگاهها در دست رهبران حزب توده است. دولت فعلی که در حال گذراندن یک دوره انتقالی برای در غلطیدن به آغوش کرملین و امپریالیسم شوروی است از هم اکنون برای باجرا در آوردن نقشه های ماهرانه، پیچیده و مزورانه رهبران حزب توده آگاهانه و یا ناآگاهانه و به بازیچه ای در دست آنان تبدیل شده است. و هر روز بیشتر در دام برنامه های گوناگون حزب توده و امپریالیسم شوروی می افتد. باید به این نیرنگ حزب توده پی برد و ساده لوحی کودکانه را کنار گذارده و حقایق را به مردم گفت.

رویدادهای چند ماهه اخیر صحت ارزیابی ها و پیش بینی های ما را ثابت نموده است. ما در اعلامیه مورخ ۵۸/۸/۲۲ تحت عنوان "نامه سر گشاده به هواداران "سازمان پیکار" و تمام انقلابیون و کمونیستهای راستین" بیان کردیم: توطئه بسیار دقیق و ماهرانه ای از طرف رهبران حزب توده در شرف تکوین است و نمونه کشور های اتیوپی، افغانستان و یمن را آوردیم که چگونه رژیمهای دست نشانده مسکو پس از کودتا و دست یافتن به قدرت به قتل عام و کشتار جوانان و دانشجویان انقلابی پرداختند و در آنزمان از انقلابیون خواستیم که: رفقا مخفی کاری کنید! و عاملین حزب توده را از میان خود برانید. بسیاری از دوستان و رفقای صادق به اهمیت روز افزون این مسئله خطیر و توطئه های حزب توده بعنوان ستون پنجم امپریالیسم روسیه پی بردند و هشدار ما را در مورد مخفی کاری جدی قلمداد کردند. اما آن دسته از دوستان و رفقای که موجودیت و خطر روز افزون حزب توده را به بهانه اینکه "آنان در بین مردم پایگاهی" ندارند نفی می نمودند و اکنون هم می نمایند و جوانان و دانشجویان انقلابی را از

مبارزه با رویزیونیسم حزب توده که تضاد اصلی . عمده در جنبش نوین کمونیستی است باز میدارند، آگاهانه و یا ناآگاهانه از رهبران حزب توده پشتیبانی کرده و میخواهند نوک تیز حمله کمونیستها را در جنبش کمونیستی که میبایست بر علیه رویزیونیسم حزب توده و دشمن اصلی خلق ایران یعنی سوسیال امپریالیسم شوروی باشد منحرف نموده و بدین ترتیب تضاد عمده در جنبش کمونیستی را به تضاد با "لیبرالیسم" و یا سایر مسائل غیر عمده و فرعی تنزل دهند.

رفقا !

رویدادهای اخیر پند بگیریید. ما صمیمانه نگران آینده هستیم. رهبران خائن و مزدور حزب توده بی شک تمام کسانی را که بخواهند بطریق علنی فعالیت کنند از بین خواهند برد. دستگیری و اعدام رفقا احمد موزن و دانیالی زنگ خطر برای تمام کمونیستهای راستینی که بطور علنی فعالیت میکنند ، می باشد. "سازمان پیکار" در اعلامیه خود به تاریخ ۵۹/۲/۱۳ در مورد رفیق احمد موزن می نویسد: "رفیق احمد در روز حمله وحشیانه مزدوران رژیم به دانشگاه اهواز توانست جان سالم بدر برد، اما روز بعد مزدوران رژیم جمهوری اسلامی پس از شناسایی او را در یکی از خیابانهای اهواز دستگیر و پس از شکنجه های جسمی و روحی فراوان تیرباران نمودند."

تمام انقلابیون باید متوجه این خطر گردند. در غیر اینصورت آنان ضربه سختی را متحمل خواهند شد و بهای گزافی را خواهند پرداخت.

رفقا !

رویدادهای اخیر باید ما را متوجه واقعیتهای موجود در میهنمان بنماید. بهوش باشید! به دشمن اصلی در جبهه ایدئولوژیک توجه کنید! خط مشی رویزیونیستی و خائنانه دو حزب توده و رنجبران را در سازمانهای مترقی و علنی و نیمه علنی دریابید و خود را برای مبارزات بسیار سهمگین و خونریز آماده کنید. بر علیه آن سازمانها و گروههایی که رهبران حزب توده در آن رخنه کرده اند شورش کنید. حیف است که يك انقلابی بیهوده در دست دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی بیافتد. شهادت رفقای انقلابی پند بزرگی برای ماست. انقلاب ایران احتیاج به رهبری دارد. کمونیستهای راستین بپا خیزید !

جنبش جوانان و دانشجویان انقلابی ایران (م - ل)

۱۳۵۹/۲/۱۶